پژوهش‌های پولی-بانکی
سال ششم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۲
صفحات ۱۷۵-۱۵۷

اثر وابستگی به منابع طبیعی بر کیفیت نهادها

رضا بخشی‌آنی [*] **فرهاد نیلی** [†]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

چکیده

در تبیین اثر کیفیت نهادها بر نفرین منابع طبیعی تاکنون تقسیم‌بندی نهادها درنظرگرفته نشده است، درحالی‌که نهادها با توجه به نقش و کارکردی که دارند، اثرات متفاوتی بر عملکرد اقتصادی گذاشته و فرایند تأثیرپذیری آنها از منابع نیز می‌تواند بر حسب تقسیم‌بندی آنها متفاوت باشد. در این پژوهش، تفکیک انواع نهادهای مؤثر بر رشد اقتصادی ارائه شده و اثر وابستگی به منابع بر کیفیت این نهادها مورد بررسی قرار گرفته است. به علاوه، در کنار اثر وابستگی به منابع، سه اثر سطح توسعه‌یافتگی قبل از آغاز دوره وابستگی به منابع، وضعیت جغرافیایی و اثر استعمار نیز به‌منظور تبیین کیفیت نهادها درنظرگرفته شده است. بر پایه نتایج، وابستگی به منابع نفتی و معدنی، موجب کاهش کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی شده و این اثر صرف‌نظر از انتخاب شاخص وابستگی به منابع مشاهده می‌شود. نتیجه آنکه وابستگی به منابع طبیعی، موجب تخریب کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی کشورهای صاحب این منابع شده است. در مقابل درجه توسعه‌یافتگی در دوره پیش از وابستگی، کیفیت نهادها را در دوره پس از وابستگی بهبود بخشیده است. نتایج با تبیین اثر وابستگی به منابع بر کیفیت انواع مختلف نهادها، این فرضیه را حمایت می‌کند که وابستگی به منابع از طریق تضعیف کیفیت انواع مختلف نهادها منجر به شکل‌گیری پدیده نفرین منابع در کشورهای صاحب‌منابع شده است.

واژه‌های کلیدی: تفکیک نهادها، نفرین منابع، نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی
طبقه‌بندی JEL: Q3 ،O13 ،O11

[*] دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران؛
bakhshiani_reza@gsme.sharif.edu (نویسنده مسئول)
[†] استادیار، گروه پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران؛ f.nili@cbi.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱ مقدمه

در ادبیات کلاسیک رشد اقتصادی، منابع طبیعی عاملی در جهت تسریع فرایند رشد اقتصادی به حساب می‌آمد. بر خلاف نگرش کلاسیک، مطالعات جدید خلاف این نتایج را تأیید کرده و وجود منابع را در برخی موارد موجب کاهش رشد و کارایی اقتصاد بر می‌شمارد. اما در مورد این که چه عاملی پدیده نفرین منابع[۱] را شکل داده است، تاکنون نظرات مختلفی ارائه شده است که عمدتاً در دو دسته کلی جای می‌گیرند. در دسته اول نظرات که توجه بر اثر مستقیم درآمدهای نفتی بر اقتصاد متمرکز است، عواملی چون بیماری هلندی، ضعف سرمایه انسانی و نرخ پایین سرمایه‌گذاری به‌عنوان دلایل اصلی نفرین منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد.[۲] در دسته دوم، توجه به نقش نهادها و کیفیت آنها معطوف می‌شود. در این رویکرد اثر وابستگی به منابع بر کیفیت نهادها مورد بررسی قرار گرفته و تلاش می‌شود با تبیین این اثر، پدیده نفرین منابع تبیین شود.

درخصوص نحوه تأثیرگذاری وابستگی به منابع بر کیفیت نهادها و شکل‌گیری پدیده نفرین منابع سه دیدگاه مختلف وجود دارد. مطابق دیدگاه اول فراوانی منابع طبیعی موجب آسیب‌رساندن به کیفیت نهادها و تضعیف آنها می‌شود.[۳] در دیدگاه دوم فراوانی منابع اثر مثبتی بر نهادها می‌گذارد. برانچ‌ویلر و بالته[۴] (۲۰۰۸) میان دو مفهوم فراوانی منابع و وابستگی منابع تمایز قائل شده و نشان می‌دهند که فراوانی منابع چه در مورد نهادها و چه درخصوص رشد اقتصادی شوم نیست. در دیدگاه سوم وفور منابع با توجه به کیفیت نهادها موجب نحسی یا مبارکی منابع طبیعی می‌شود و وفور منابع طبیعی به‌خودی خود موجب کاهش کیفیت نهادها نمی‌شود. آنچه که رشد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، ترکیبی از دو عامل نهادی و منابع طبیعی است.[۵]

به‌عنوان یک مشاهده مهم اقتصادی، برخورداری کشورهای منطقه خاورمیانه از منابع فراوان نفت و گاز، همواره به‌عنوان یکی از مزیت‌های نسبی این کشورها مورد توجه قرار گرفته است. بااین‌وجود، برخی مشاهدات نشان می‌دهند، این برخورداری نه‌تنها باعث رشد

---

[1] resource curse

[2] Gylfason (2004)

[۳] این دیدگاه توسط Sala-i-Martin & Subramanian (2003)، Torvik (2002) و Auty (2000) مطرح شده است.

[4] Brunnschweiler & Bulte

[5] Mehlum, Moene, Torvik, (2006), Boschini, Pettersson, Roine, (2007)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

و توسعه اقتصادی این کشورها نشده، بلکه به یکی از ریشه‌های عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی آنها نیز بدل شده است. مطالعات اقتصادی و تاریخی، یکی از دلایل اصلی این عقب‌ماندگی را تضعیف نهادها در این کشورها می‌داند.

نهادها به‌عنوان مجموعه سازوکارهای رسمی و غیررسمی، عامل اصلی شکل‌گیری و جهت‌دهی انگیزه‌ها در جوامع می‌باشند. در پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، واژه نهاد طیف وسیعی از قوانین، سیاست‌ها و قواعد را تحت‌پوشش خود قرار می‌دهد. ادبیات نظری حوزه نهادها و منابع طبیعی، تاکنون کیفیت نهادها را تنها با استفاده از یک مؤلفه مورد ارزیابی قرار داده است، درحالی‌که نهادها با توجه به نقش و کارکردی که در اقتصاد کشورها برعهده دارند، اثرات متفاوتی بر عملکرد اقتصادی از خود بر جای گذاشته و درنتیجه، فرایند تأثیرپذیری آنها از درآمدهای منابع نیز می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، مطالعه اثر وابستگی به منابع بر کیفیت انواع مختلف نهادها که تأثیرات متفاوتی بر عملکرد اقتصادی کشورها دارند، می‌تواند بسیار سودمند باشد. چه‌بسا، ریشه بسیاری از اختلافات نظری در حوزه نفرین منابع، در کاربرد مبهم و غیردقیق مبحث نهادها باشد. دراین‌صورت، چنانچه بتوان نهادها را بر پایه نقش و اثری که در اقتصاد دارند، تفکیک کرده و سپس اثر وابستگی به منابع را بر کیفیت آنها مورد مطالعه قرار داد، بستر مناسبی برای تبیین دقیق‌تر پدیده نفرین منابع مهیا خواهد گشت.

از میان انواع مختلف منابع طبیعی، نفت و منابع معدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. ویژگی مشترک عمده کشورهای صادرکننده نفت و منابع معدنی، وابستگی آنها به درآمدهای منابع است. با توجه به توضیحات بالا، پرسش اصلی پژوهش حاضر به‌این‌صورت شکل می‌گیرد که وابستگی به منابع طبیعی، چه تأثیری بر کیفیت گروه‌های مختلف نهادی کشورهای صاحب‌منابع داشته است؟

هدف این پژوهش تقسیم‌بندی گروه‌های نهادی مؤثر بر عملکرد اقتصادی کشورها، بر پایه مبانی نظری و ارزیابی اثر وابستگی به منابع بر هر گروه نهادی است. درصورتی‌که بتوان اثر معنادار و منفی وابستگی به منابع را بر تمام گروه‌های نهادی مشاهده کرد، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که وابستگی به منابع به‌طورمشابه موجب کاهش کیفیت تمامی گروه‌های نهادی در کشورهای وابسته به منابع شده است. بنابراین، فرضیه پژوهش حاضر به این صورت شکل می‌گیرد که وابستگی به منابع طبیعی به طور مشابه کیفیت تمامی گروه‌های نهادی در کشورهای وابسته به منابع را تضعیف کرده است.

مباحث این مقاله بدین‌صورت ارائه می‌شود که پس از این مقدمه و در بخش ۲ تفکیک نهادها، نقشی که در اقتصاد ایفا می‌کنند و سازوکار اثرگذاری آنها بر رشد اقتصادی به

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اختصار بحث می‌شود. مدل پژوهشی و نتایج تجربی در بخش ۳ گزارش می‌شود. بخش ۴ نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲ تفکیک نهادها

طبق تعریف نورث[1] (۱۹۹۱) «نهادها، قواعد بازی در یک جامعه و یا قواعد انسان‌ساخته‌ای هستند که برهم‌کنش‌های انسانی را شکل می‌دهند». نهادها، شکل‌دهنده انگیزه فعالان سیاسی و اقتصادی بوده و نقش اصلی را در رشد یا عقب‌ماندگی جوامع برعهده دارند. نهادها را می‌توان بر مبنای کارکرد و نقشی که در اقتصاد برعهده دارند به انواع مختلفی تقسیم کرد اگرچه، پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه بسیار محدود است. نهادها از این منظر که تنظیم‌گر رابطه صاحبان قدرت با شهروندان عادی یا شهروندان عادی با یکدیگرند، به نهادهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی تقسیم می‌شوند. نهادهای حاکمیتی خود به نهادهای سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. نهادهای سیاسی سه نقش توزیع قدرت سیاسی، تسهیل دسترسی فعالان سیاسی به قدرت و حفظ حقوق آنها در برابر حاکمان را برعهده دارند. بر پایه این سه نقش، نهادهای سیاسی به سه گروه نهادهای توزیع‌کننده[2]، تسهیل‌کننده[3] و محدودکننده[4] تقسیم می‌شوند.

نهادهای توزیع‌کننده سیاسی، توزیع قدرت در جامعه و حکومت را شکل داده و میزان تمرکز قدرت را در جامعه مشخص می‌سازند. این نوع نهادها، فرایند تصمیم‌گیری در ساختار قدرت، میزان برخورداری هر یک از گروه‌های ذی‌نفوذ[5] از اعمال قدرت و روش‌های حل تزاحم[6] بین حاکمان را در جامعه شکل می‌دهند. نهادهای تسهیل‌کننده قدرت، دستیابی گروه‌های غیرحاکم، شهروندان و سایر گروه‌های اجتماعی به قدرت را تسهیل می‌کنند. این نوع نهادها، فرایند رقابت‌های سیاسی برای کسب قدرت، میزان دسترسی فعالان سیاسی به اطلاعات، فرایند اظهارنظر، تبلیغ و نقد حاکمان از سوی فعالان سیاسی را در جامعه شکل می‌دهند. نهادهای محدودکننده سیاسی، امکان سوءاستفاده سیاستمداران از قدرت جهت نقض حقوق سیاسی شهروندان و فعالان سیاسی را محدود

[1] North
[2] distributor
[3] facilitator
[4] limiter
[5] interest groups
[6] conflict

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

می‌کنند. این نوع نهادها، محدوده اعمال قدرت توسط حاکمان، محدوده دخالت در زندگی خصوصی مردم و شهروندان عادی، فرایند بررسی نقض حقوق فعالان سیاسی توسط حاکمان در دادگاه‌ها و نهادهای قضایی را در جامعه شکل می‌دهند.[۱]

نهادهای اقتصادی نیز سه نقش توزیع منابع اقتصادی، تسهیل دسترسی فعالان اقتصادی به فرصت‌های اقتصادی و حفظ حقوق اقتصادی آنها در برابر صاحبان قدرت را برعهده دارند. بر پایه این سه نقش، نهادهای اقتصادی به سه نوع نهادهای توزیع‌کننده، تسهیل‌کننده و محدودکننده تقسیم می‌شوند.[۲]

کشورهای دارای کیفیت بالاتر نهادهای محدودکننده اقتصادی که حقوق مالکیت اقتصادی شهروندان را تضمین می‌کنند، توانسته‌اند درآمد سرانه بیشتری به‌دست آورند. نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی، استفاده برابر از فرصت‌های اقتصادی را برای اکثریت آحاد جامعه مهیا می‌سازند. این نوع نهادها با شفاف‌سازی اطلاعات، امکان دسترسی آسان همه فعالان اقتصادی به اطلاعات، ازبین‌بردن زمینه‌های انحصار و قدرت بازار و ایجاد فضای رقابتی، دسترسی همه آحاد جامعه به فرصت‌های اقتصادی را تسهیل کرده، امکان رشد را برای اکثریت جامعه فراهم می‌سازند. شاخصی که برای سنجش کیفیت این دسته از نهادها به کار می‌رود شاخص تنظیم‌کنندگی[۳] است. نهادهای توزیع‌کننده وظیفه توزیع منابع را برعهده دارند. دو گونه نهاد سیاست‌گذار مالی و سیاست‌گذار پولی توزیع منابع اقتصادی در کشورها را شکل می‌دهند. نهاد سیاستگذار مالی از طریق اعمال سیاست‌های مالیاتی، یارانه‌ای، آموزشی و تعرفه‌ای، توزیع را در جامعه شکل می‌دهد. نهاد سیاستگذار پولی نیز از طریق سیاست‌های پولی، اعتباری، بانکی و ارزی توزیع منابع در جامعه را شکل می‌دهد.[۴] باتوجه‌به توضیحات بالا، شکل ۱ تفکیک نهادها را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

ازآنجاکه ادبیات نظری تقسیم نهادها بسیار محدود و متأخر است، درنتیجه شاخص‌های موجود برای ارزیابی کیفیت این نهادها، دارای محدودیت‌های بسیاری هستند. به‌علاوه، یافتن شاخصی که عملکرد هر گروه را به‌خوبی مشخص سازد، دشوار است. بنابراین، در بیشتر مطالعات صورت‌گرفته، پژوهشگرها از متغیر نماینده[۵] که می‌تواند راهنمای عملکرد

---

[1] Acemoghlu, Johnson & Robinson (2005)

[2] Rodrik (2005)

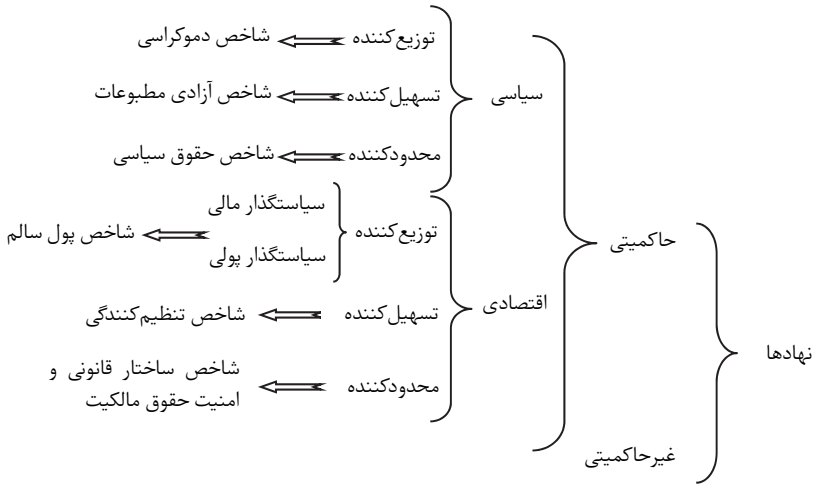
[3] regulatory

[۴] بخشی‌آنی (۱۳۸۹)

[5] proxy variable

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نهادها باشد، استفاده می‌کنند. در ادامه به توضیح شاخص‌های کمّی مرتبط با هر نوع از نهادها می‌پردازیم.



شکل ۱. تفکیک نهادها. برگرفته از بخشی‌آنی (۱۳۸۹)

۱.۲ گروه نهادهای توزیع‌کننده سیاسی: شاخص دموکراسی

یکی از شاخص‌های مناسب برای نهادهای توزیع‌کننده که کاربرد فراوانی هم در مطالعات تجربی دارد، شاخص دموکراسی است.[1] براین‌مبنا، در کشورهایی که وضعیت دموکراسی بهتر است، فرایند توزیع قدرت کاراتر بوده و قدرت در اختیار طیف گسترده‌تری از جامعه قرار دارد. برعکس، در کشورهایی که دموکراسی در آنها از کیفیت پایین‌تری برخوردار است، قدرت در میان افراد یا گروه‌های محدودی از جامعه توزیع می‌شود. شاخص دموکراسی که در این پژوهش از مجموعه «Polity IV»[2] اخذ شده است، عددی بین ۱۰- (استبداد مطلق) تا ۱۰+ (دموکراسی مطلق) را به هر کشور اختصاص می‌دهد. دراین‌حالت، عدد بالاتر نشان‌دهنده سطح دموکراسی بهتر است.

[1] Acemoghlu et al. (2005), Rodrik (2005),Bhattacharyya (2009)

[2] این مجموعه که توسط مارشال (Marshall) و جاگرز (Jaggers) تهیه شده، در حدود ۳۰ شاخص ساختار سیاسی را برای کشورهای مختلف طی دو قرن گذشته در ۳ دسته کلی ۱) مردم‌سالاری یا دیکتاتوری، ۲) قدرت و ۳) تغییرات حکومت جمع‌آوری کرده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۲.۲ گروه نهادهای تسهیل‌کننده سیاسی: شاخص آزادی مطبوعات

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند کیفیت نهادهای تسهیل‌کننده در دستیابی به قدرت را مشخص سازد، شاخص نماینده آزادی مطبوعات[1] است. هرچه آزادی مطبوعات در کشوری بیشتر باشد، سطح آگاهی و رقابت‌های سیاسی و امکان دستیابی به قدرت برای گروه‌هایی که در حکومت قرار ندارند بیشتر و درنتیجه عملکرد نهادهای تسهیل‌کننده دستیابی به قدرت سیاسی بهتر است. داده‌های شاخص آزادی مطبوعات از مجموعه «Earthtrend.wri.org»[2] عددی مابین صفر تا ۱۰۰ است که عدد کمتر نشان‌دهنده کیفیت بهتر آزادی مطبوعات و رقابت آزاد و برابر سیاسی مابین گروه‌های مختلف فارغ از دخالت یا اعمال محدودیت صاحبان قدرت است. در این پژوهش، به‌منظور هم‌خوانی تفسیر ضرایب برآوردها، مقادیر این شاخص از بازه تغییرات صفر تا ۱۰۰ به ۱۰- تا صفر تغییر کرده به گونه‌ای که عدد بیشتر به‌معنای کیفیت بهتر است.

۳.۲ گروه نهادهای محدودکننده سیاسی: شاخص حقوق سیاسی

شاخص مورداستفاده دراین‌خصوص، شاخص حقوق سیاسی[3] است که کیفیت حقوق سیاسی آحاد جامعه در هر کشور را مورد ارزیابی قرار داده و میزان سوءاستفاده از قدرت جهت نقض حقوق شهروندان را مشخص می‌سازد. شاخص حقوق سیاسی که به‌وسیله خانه آزادی[4] ارزیابی شده و اطلاعات آن در مجموعه «Earthtrend» منتشر شده است، عددی مابین هفت و یک است که عدد کمتر نشان‌دهنده کیفیت بهتر حقوق سیاسی است. در این مقاله به‌منظور یکسان‌شدن تفسیر ضرایب همه شاخص‌ها، داده‌های این شاخص در منفی یک ضرب شده است تا عدد بیشتر به‌معنای کیفیت بالاتر حقوق سیاسی باشد.

---

[1] press free

[2] در این مجموعه که توسط موسسه منابع جهان (World Resource Institute) جمع‌آوری شده است داده‌ها در ۱۰ گروه دسته‌بندی شده‌اند که یک دسته آن مربوط به دولت و نهادها است و در آن بخشی مربوط به آزادی و سیاست وجود دارد.

[3] political rights

[4] Freedom House

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۴.۲ گروه نهادهای توزیع‌کننده اقتصادی: شاخص پول سالم

باتاچاریا[1] (۲۰۰۹) برای سنجش کیفیت نهادهای ثبات‌ساز بازار از شاخص پول سالم[2] وارتنی و لاوسون (۲۰۰۵) استفاده می‌کند. این شاخص مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها شامل میانگین نرخ رشد سالانه حجم پول منتهی به پنج‌سال آخر هر دوره زمانی و مقایسه آن با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، انحراف معیار تورم و نرخ تورم سالیان اخیر را موردمحاسبه قرار می‌دهد. در این پژوهش به‌منظور بررسی کیفیت نهادهای توزیع‌کننده اقتصادی از شاخص پول سالم استفاده می‌شود. این شاخص با درنظرگرفتن رشد حجم پول و نرخ و انحراف معیار تورم، می‌تواند شاخص مناسبی برای سنجش کیفیت این گروه از نهادها باشد. شاخص پول سالم در مجموعه «Economic Freedom of the World»[3]، با ترکیب مؤلفه‌های مختلف، کیفیت سیاستگذاری مالی و پولی را مشخص کرده و عددی مابین صفر و ده است که مقدار بیشتر، کیفیت بهتر سیاستگذاری پولی را نشان می‌دهد.

۵.۲ گروه نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی: شاخص تنظیم‌کنندگی

به‌منظور سنجش کیفیت نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی که دستیابی شهروندان به فرصت‌های اقتصادی را تسهیل می‌کند، از متغیر نماینده شاخص تنظیم‌کنندگی استفاده می‌کنیم. این شاخص کیفیت تنظیم اعتبارات و بازار مالی، نیروی‌کار و کسب‌وکار[4] را اندازه‌گیری می‌کند. باتاچاریا از این شاخص برای سنجش کیفیت نهادهای تنظیم‌گر بازار بهره برده است. شاخص تنظیم‌کنندگی مؤلفه‌های مختلفی را ارزیابی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱) بازار مالی، شامل سهم بانک‌های خصوصی از کل سپرده‌های بانکی، میزان حضور و رقابت بانک‌های خارجی در داخل، سهم بخش خصوصی از اعتبارات بانکی، فرایند تعیین نرخ بهره؛

۲) بازار کار، شامل نسبت حداقل دستمزد نیروی‌کار به ارزش افزوده، انعطاف‌پذیری در استخدام و اخراج نیروی‌کار توسط کارفرما، میزان دخالت دولت در تعیین دستمزدها،

---

[1] Bhattacharyya

[2] Sound Money

[3] این مؤسسه برای ۱۲۳ کشور شاخص‌های مختلف را در ۵ حوزه مشخص کرده است: ۱)اندازه دولت: مخارج، مالیات‌ها و ادارات؛ ۲) ساختار قانونی و امنیتی و حقوق مالکیت؛ ۳) ساختار پولی؛ ۴) آزادی تجارت خارجی؛ و ۵) تنظیمات بر اعتبارات، نیروی‌کار و کسب‌وکار

[4] regulation of credit, labor and business

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

هزینه‌های بازنشستگی نیروی‌کار، هزینه‌های اخراج نیروی‌کار، زمان خدمت اجباری در نیروهای نظامی؛ و

۳) تجارت، شامل میزان قیمت‌گذاری دولت، هزینه‌های بوروکراسی، هزینه‌های شروع یک فعالیت اقتصادی، میزان هزینه‌های جانبی فعالیت‌های اقتصادی و هزینه‌های کسب استانداردهای لازم. داده‌های این شاخص برای اکثر کشورها در مجموعه EFW آمده و عددی بین صفر تا ده است که مقدار بیشتر، نشانگر کیفیت مناسب تنظیم‌گری و کیفیت بهتر نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی است.

۶.۲ گروه نهادهای محدودکننده اقتصادی: شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت

شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت[1] کیفیت نهادهای اعمال محدودیت بر صاحبان قدرت درجهت حفظ حقوق اقتصادی شهروندان عادی را ارزیابی می‌کند. رودریک[2] (۲۰۰۵) این نهادها را نهادهای بازارساز می‌نامد و باتاچاریا (۲۰۰۹) برای سنجش کیفیت این نهادها از شاخص نظم و قانون استفاده می‌کند. شاخص‌های دیگر در این زمینه عبارت‌اند از: حاکمیت قانون، شاخص ریسک سلب مالکیت[3] و شاخص قانون‌گرایی و محدودیت صاحبان قدرت[4].

در این پژوهش، به‌منظور سنجش کیفیت نهادهای محدودکننده اقتصادی، از شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت استفاده می‌شود که با ترکیب مؤلفه‌های مختلف، کیفیت نهادهای محدودکننده اقتصادی را ارزیابی می‌کند. مؤلفه‌های این شاخص عبارت‌اند از: استقلال قضایی، دادگاه‌های بی‌طرف، حفاظت از حقوق مالکیت، دخالت نظامی در حاکمیت قانون و روند سیاسی، درستی سیستم قانونی، الزام قانونی قراردادها و محدودیت‌های تنظیمی برای فروش دارایی. داده‌های این شاخص، از مجموعه EFW گردآوری شده و مقدار آن عددی بین صفر تا ده است که عدد بالاتر، نشان‌دهنده کیفیت بهتر حقوق مالکیت و ساختار قانونی است. جدول ۱ ضریب همبستگی داده‌های متغیر وابسته با یکدیگر را نشان می‌دهد.

[1] legal structure and security of property rights

[2] Rodrick

[3] Acemoglu, Johnson, & Robinson (2001)

[4] Acemoglu et al. (2005)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۳ سایر عوامل مؤثر بر کیفیت نهادها

در حوزه بررسی نقش و جایگاه نهادها در رشد اقتصادی، مطالعاتی که بر روی نحوه و چگونگی توسعه نهادها در گذر زمان متمرکز شده‌اند به شناسایی دلایلی می‌پردازند که منجر به شکل‌گیری نهادهای باکیفیت یا بی‌کیفیت در کشورهای مختلف شده است. روش معمول در بیشتر این پژوهش‌ها، یافتن یک ابزار مرتبط (نظیر یک ویژگی یا رویدادی برون‌زا) است که در زمان‌های گذشته رخ داده باشد. در ادامه به دو ویژگی برون‌زا که در مطالعه حاضر مورداستفاده قرارگرفته، اشاره می‌شود.

جدول ۱

ضریب همبستگی داده‌های نهادی

	دموکراسی	آزادی مطبوعات	حقوق سیاسی	ساختار قانونی	تنظیم‌کنندگی
آزادی مطبوعات	۰/۸۴				
حقوق سیاسی	۰/۹۴	۰/۹۳			
ساختار قانونی	۰/۵۱	۰/۶۹	۰/۶۴		
تنظیم‌کنندگی	۰/۳۹	۰/۵۳	۰/۴۵	۰/۵۷	
پول سالم	۰/۲۴	۰/۴۱	۰/۳۳	۰/۶۴	۰/۶۵

۱.۳ شرایط جغرافیایی

شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی مناسب در قرون گذشته امکان تداوم سکونت جمعیت و بهره‌گیری از منابع را فراهم می‌آورد. پایداری شرایط‌زیستی ناشی از شرایط مناسب آب‌وهوایی، منجر به انباشت سرمایه انسانی می‌شود که امکان شکل‌گیری نهادهای باکیفیت را مهیا می‌سازد.[1] برانچ‌ویلر و بالته (۲۰۰۸) اثر ویژگی برون‌زای عرض جغرافیایی[2] (قدرمطلق فاصله از خط استوا) را به‌عنوان ابزار سنجش شرایط جغرافیایی بر کیفیت نهادها ارزیابی می‌کنند. علاوه‌براین، برخی مناطق جغرافیایی به‌دلیل شرایط خاص خود، تحت‌تأثیر عوامل برون‌زایی همچون جنگ و دخالت‌های خارجی قرار داشته‌اند. به‌منظور کنترل آثار این رخدادها بر کیفیت نهادها، می‌توان متغیرهای مجازی را برای این مناطق تعریف کرد.

[1] Sokoloff & Engerman (2000)

[2] latitude

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۲.۳ فرایند مستعمره‌سازی

عجم‌اوغلو[1] و همکاران (۲۰۰۱) فرایند تحت استعمار قرارگرفتن مناطق مختلف دنیا توسط کشورهای اروپایی را به‌عنوان عامل برون‌زای توضیح‌دهنده کیفیت نهادهای این دسته از مناطق به کار می‌گیرند. آنها میزان بیماری‌زایی محیط‌زیست را تعیین‌کننده کیفیت عملکرد استعمار در کشورهای تحت استعمار تلقی کرده و از نرخ مرگ‌ومیر مهاجران اولیه به‌عنوان سنجه درجه بیماری‌زایی محیط‌زیست استفاده می‌کنند. بر پایه این مطالعات، در مستعمراتی که بیماری‌زایی محیط بسیار پایین بوده و نرخ مرگ‌ومیر مهاجران[2] اولیه اندک بوده است، مهاجران تمایل بیشتری برای سکونت و تشکیل جمعیت داشته‌اند. درنتیجه نهادهایی که عمدتاً در این دسته از مستعمرات شکل گرفته بر پایه نهادهای کارآمد، باکیفیت و بر پایه حقوق مالکیت بوده است؛ چراکه اکثریت جمعیت ساکن را خود مهاجران تشکیل داده‌اند. اما در مناطقی که محیط، مستعد بیماری‌های مختلف بوده و نرخ مرگ‌ومیر مهاجران اولیه بالا بوده است، مهاجران تمایل کمتری به سکونت داشته و عمده نهادهایی که در این سرزمین‌ها شکل داده‌اند بر پایه نقض حقوق مالکیت و خارج‌کردن ثروت‌ها و منابع موجود بوده است.

۴ مدل پژوهش و تحلیل نتایج

روش معمول در سنجش اثر وابستگی به منابع بر کیفیت نهادها، استفاده از یک ابزار برون‌زا است. در این پژوهش، سهم صادرات منابع از GDP به‌عنوان ابزار برون‌زا جهت بررسی این اثر انتخاب شده است. منطق استفاده از این ابزار این است که اگر وابستگی به منابع، اثر مستقیم و قابل‌توجهی بر کیفیت نهادها در کشورهای نفتی بگذارد، منطقی است که پس از وقوع تکانه‌های قیمتی و افزایش چشمگیر درآمدهای منابع بتوان به نحو خوبی اثر تضعیف نهادها را مشاهده کرد. باتوجه به این‌که عمده تکانه‌های قیمتی نفت و منابع معدنی از سال ۱۹۷۰ به بعد رخ داده است، میانگین سهم صادرات منابع از GDP برای این سال‌ها، می‌تواند به‌عنوان معیار مناسبی جهت سنجش میزان وابستگی به منابع مورداستفاده قرار گیرد.

مدلی که به‌منظور تخمین تغییرات کیفی نهادها به‌کار گرفته می‌شود باید از یک طرف بتواند اثر عوامل دیگر مؤثر بر کیفیت نهادها را درنظرگرفته و از طرف دیگر تغییرات تدریجی

[1] Acemoglu
[2] Settler Mortality

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

و اندک نهادها در طول زمان را نشان دهد. با توجه به تغییرات تدریجی و اندک نهادها در طول زمان، یک بازه زمانی حدوداً بیست‌ساله از زمان آغاز تکانه‌های قیمتی، سال ۱۹۷۰، درنظرگرفته شده و میانگین کیفیت نهادها برای سال‌های پس از این بازه سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، مورد سنجش قرار می‌گیرد. درنتیجه نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲۳ کشوری است که داده‌های نهادی و شاخص وابستگی به منابع در بازه‌های زمانی فوق برای آنها موجود بوده است. باتوجه‌به موارد بالا، در مدل پژوهش چهار دسته متغیر مستقل تعریف می‌شود که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم.

- **سطح توسعه‌یافتگی**

میزان توسعه‌یافتگی هر کشور می‌تواند فرایند تکامل نهادهای آن کشور را در آینده تحت‌تأثیر قرار دهد. کشورهای با سطح رفاه و توسعه مناسب، امکان تشکیل سرمایه انسانی بهتری داشته و درنتیجه می‌توانند نهادهای بهتری را شکل دهند. در این پژوهش لگاریتم درآمد سرانه سال ۱۹۷۰ به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی درنظرگرفته شده است. سال انتخابی به‌گونه‌ای درنظرگرفته شده که پیش از وقوع تکانه‌های قیمتی نفتی بوده و مستقل از سایر متغیرها باشد. درواقع، هدف پژوهش، این است که تغییرات کیفیت نهادها را برای سال‌های پس از وقوع تکانه‌های نفتی که منجر به ایجاد وابستگی در کشورهای صاحب‌منابع شده، مورد مطالعه قرار دهد. مسلماً کشورهایی که پیش از وقوع شوک‌های قیمتی، از سطح توسعه‌یافتگی مناسبی برخوردار بوده‌اند، به طور بالقوه، می‌توانند نهادهای بهتری را در آینده شکل دهند. متغیر لگاریتم درآمد سرانه در سال ۱۹۷۰، به‌منظور کنترل این اثر در مدل وارد شده است.

- **شاخص وابستگی به منابع**

این متغیر میانگین سهم صادرات منابع از GDP را برای هر کشور در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ اندازه می‌گیرد. در این پژوهش ابتدا سهم صادرات نفت و منابع معدنی به‌عنوان شاخص اصلی مورداستفاده قرار گرفته و سپس به‌منظور تحلیل حساسیت نتایج، از سهم صادرات کل منابع به GDP (NATXP) نیز به‌عنوان یک شاخص کلی‌تر استفاده شده است.

- **تحولات مناطق جغرافیایی**

در طول چند دهه گذشته، تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری به‌ویژه در برخی مناطق جغرافیایی خاص رخ داده که از این میان سه منطقه جغرافیایی آفریقا، خاورمیانه، آمریکای جنوبی و مرکزی شاهد بیشترین تغییر و تحولات از قبیل جنگ‌های داخلی، کودتا و دخالت‌های خارجی بوده‌اند. از آنجا که امکان تحت‌تأثیر قرارگرفتن کیفیت نهادهای این

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

دسته از کشورها از این‌گونه تحولات وجود دارد، برای هر یک از این مناطق جغرافیایی یک متغیر مجازی تعریف شده تا اثر مربوط به این تحولات را کنترل نماید.

- **استعمار**

استعمار یک پدیده تاریخی طولانی است که از سده ۱۵ تا ۱۹ سیر شکل‌گیری نهادها در مستعمرات را تحت‌تأثیر قرارداده است. در این پژوهش اثر مربوط به عملکرد دو کشور استعمارگر انگلیس و فرانسه بر کیفیت نهادها با استفاده از دو متغیر مجازی برای تفکیک کشورهای مستعمره انگلیس از فرانسه و کنترل عملکرد هر یک از این دو کشور بر مستعمرات‌شان تعریف شده است. باتوجه‌به توضیحات فوق، مدل پژوهش به‌صورت رابطه ۱ خواهد بود.

$$I_j = a_{0j} + \sum_{۱}^{۲} a_{ij}.X_i + \sum_{۱}^{۳} b_{ij}.Y_i + \sum_{۱}^{۲} c_{ij}.Z_i + \varepsilon_j, j = ۱, \dots, ۶ \qquad (۱)$$

نماد I_j متغیر شاخص کیفیت نهادها است که برای هر یک از گروه‌های نهادی جداگانه تعریف می‌شود. $X_۱$: لگاریتم درآمد سرانه در سال ۱۹۷۰ (LGDP70) است که اثر مربوط به سطح توسعه‌یافتگی پیش از وقوع تکانه‌های قیمتی بر کیفیت نهادها را کنترل می‌کند. X_2: میانگین سهم صادرات نفت و منابع معدنی از GDP (MINXP) در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ است. $Y_۱$، $Y_۲$ و $Y_۳$ به‌ترتیب متغیرهای مجازی مربوط به مناطق آفریقا (AF)، خاورمیانه (ME) و آمریکای مرکزی و جنوبی (CSAM) هستند که اثر تحولات سیاسی و اجتماعی رخداده در این مناطق را بر کیفیت نهادها کنترل می‌کنند. $Z_۱$ و $Z_۲$ به‌ترتیب متغیرهای مجازی برای مستعمرات انگلیس (F-BRIT) و فرانسه (F-FRENCH) هستند که اثر عملکرد این کشورها بر مستعمرات سابقشان را کنترل می‌کنند. $a_۲$ ضریب بیان‌کننده اثر وابستگی به منابع است. درصورتی‌که مقدار این ضریب مثبت و معنادار باشد، فرضیه پژوهش رد می‌شود.

در ادامه، نتایج حاصل از برآورد مدل به تفکیک نهادهای سیاسی و اقتصادی ارائه شده و با توجه به این نتایج، روایی فرضیه پژوهش آزمون می‌شود.

۱.۴ نهادهای سیاسی

خلاصه نتایج به دست آمده برای نهادهای سیاسی، در جدول ۲ نشان می‌دهد که وابستگی به درآمدهای نفتی و معدنی، اثر معنادار و تخریبی بر کیفیت نهادهای سیاسی اعم از

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نهادهای توزیع‌کننده، تسهیل‌کننده و محدودکننده قدرت داشته، به‌طوری‌که با افزایش وابستگی، کیفیت این نهادها کاهش می‌یابد. این موضوع با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده در ادبیات نظری دور از انتظار نیست. در ادامه به بررسی تفصیلی نتایج به دست آمده برای هر گروه از نهادها می‌پردازیم.

۱.۱.۴ نهاد توزیع‌کننده سیاسی: شاخص دموکراسی

ضریب منفی و معنادار متغیر وابستگی به‌دست‌آمده برای شاخص دموکراسی نشان می‌دهد وابستگی به منابع در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹، کیفیت نهادهای توزیع‌کننده قدرت را در کشورهای صاحب‌منابع نفتی و معدنی برای دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ کاهش داده است. ازآنجاکه در این دسته از کشورها، دولت‌ها از درآمدهای سرشار منابع برخوردارند، تمایل به تمرکز قدرت در آنها افزایش خواهد یافت. هرچه میزان وابستگی بیشتر شود، تمایل به تمرکز و انحصار قدرت در دستگاه حاکمه بیشتر و کیفیت نهادهای توزیع‌کننده قدرت کمتر می‌شود. معناداری نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ توانسته‌اند سطح دموکراسی بالاتری را در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به‌دست آورند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیرهای مجازی کشورهای منطقه آفریقا و به‌ویژه خاورمیانه به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی اثر معناداری مشاهده نشد. همچنین کیفیت آزادی مطبوعات در مستعمرات سابق بریتانیا، بهتر بوده، درحالی‌که در مورد مستعمرات سابق فرانسه اثر معناداری مشاهده نشده است.

۲.۱.۴ نهاد تسهیل‌کننده سیاسی: شاخص آزادی مطبوعات

ضریب منفی و معنادار متغیر وابستگی به‌دست‌آمده برای شاخص آزادی مطبوعات حاکی از آن است که وابستگی به منابع نفتی و معدنی، موجب تضعیف کیفیت نهادهای تسهیل‌کننده سیاسی در کشورهای صاحب این منابع شده است. براین‌اساس، با افزایش درجه وابستگی به منابع، میزان تمرکز قدرت بیشتر و دسترسی گروه‌های رقیب و مخالف نظام حاکم به قدرت محدودتر خواهد شد. برهمین‌اساس قدرت حاکم کنترل و نظارت‌های بیشتری را بر صدای مخالف به‌ویژه در حوزه رسانه و مطبوعات اعمال خواهد کرد تاآنجاکه ممکن است بسیاری از گروه‌های مخالف و رقیب را از داشتن رسانه و روزنامه در جامعه محروم سازد.

نتایج به‌دست‌آمده به‌طور معناداری نشان می‌دهد که کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ توانسته‌اند سطح آزادی مطبوعات بالاتری را در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به‌دست آورند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیر مجازی کشورهای منطقه آفریقا و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

خاورمیانه
به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی و همچنین مستعمرات سابق فرانسه اثر معناداری مشاهده نشد. همچنین ضریب مربوط به مستعمرات سابق بریتانیا مثبت و معنادار است.

۳.۱.۴ نهاد محدودکننده سیاسی: شاخص حقوق سیاسی

ضریب منفی و معنادار متغیر وابستگی به‌دست‌آمده برای شاخص حقوق سیاسی نشان می‌دهد وابستگی به منابع نفتی و معدنی، منجر به تخریب نهادهای محدودکننده سیاسی در کشورهای صاحب این منابع شده است. بر این اساس، با افزایش درجه وابستگی به منابع، میزان دخالت صاحبان قدرت در زندگی سیاسی شهروندان بیشتر و آزادی‌های سیاسی کمتر شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ توانسته‌اند سطح حقوق سیاسی بالاتری را در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به دست آورند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیر مجازی کشورهای منطقه خاورمیانه به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص کشورهای آفریقایی، آمریکای مرکزی و جنوبی و همچنین مستعمرات سابق فرانسه اثر معناداری مشاهده نشد. همچنین ضریب مربوط به مستعمرات سابق بریتانیا مثبت و معنادار است.

جدول ۲
نتایج برآورد شده برای نهادهای سیاسی

	توزیع‌کننده (دموکراسی)	تسهیل‌کننده (آزادی مطبوعات)	محدودکننده (حقوق سیاسی)
C	-۱۳/۸۱ (۰/۰۰)	-۱۴/۶۲ (۰/۰۰)	-۱۱/۲۵ (۰/۰۰)
LGDP70	۲/۹۲ (۰/۰۰)	۱/۵۶ (۰/۰۰)	۱/۲۴ (۰/۰۰)
MINXP	-۱۳/۱۸ (۰/۰۰)	-۵/۱۴ (۰/۰۰)	-۴/۲۵ (۰/۰۰)
AF	-۳/۸۵ (۰/۰۰)	۰/۷۵ (۰/۱۴)	۰/۸۷ (۰/۰۳)
ME	-۷/۹۵ (۰/۰۰)	-۲/۳۴ (۰/۰۰)	-۲/۰۳ (۰/۰۰)
CSAM	۱/۲۸ (۰/۱۸)	۰/۲۲ (۰/۵۸)	۰/۱۹ (۰/۵۴)
F-BRIT	۱/۰۶ (۰/۲۵)	۰/۶۴ (۰/۰۹)	۰/۵۰ (۰/۰۹)
F-FRENCH	-۰/۱۸ (۰/۸۹)	۰/۵۱ (۰/۰۰)	۰/۰۴ (۰/۹۳)
آماره F	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
R^2 تعدیل‌شده	۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۶۳

یادداشت. احتمال مربوط به آزمون فرض برابری ضریب مربوطه با مقدار صفر در داخل پرانتز ارائه شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۲.۴ نهادهای اقتصادی

نتایج به‌دست‌آمده برای هر گروه از نهادهای اقتصادی مطابق جدول ۳ تفسیر می‌شود.

۱.۲.۴ نهاد محدودکننده اقتصادی: شاخص ساختار قانونی و حقوق مالکیت

ضریب منفی و معنادار به دست آمده برای شاخص ساختار قانونی و حقوق مالکیت به معنی آن است که وابستگی به منابع نفتی و معدنی، باعث تضعیف کیفیت نهادهای محدودکننده اقتصادی در کشورهای صاحب این منابع شده و با افزایش درجه وابستگی به منابع، میزان دخالت صاحبان قدرت در حقوق اقتصادی شهروندان بیشتر و آزادی‌های اقتصادی کمتر شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ توانسته‌اند به سطح حقوق اقتصادی بالاتری در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ نایل آیند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیر مجازی کشورهای منطقه خاورمیانه، آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص مستعمرات سابق بریتانیا و فرانسه اثر معناداری مشاهده نشد.

۲.۲.۴ نهاد تسهیل‌کننده اقتصادی: شاخص تنظیم‌کنندگی

ضریب منفی و معنادار شاخص تنظیم‌کنندگی حاکی از آن است که وابستگی به منابع نفتی و معدنی، موجب تضعیف کیفیت نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی در کشورهای صاحب این منابع شده است. بر این اساس، با افزایش درجه وابستگی به منابع، میزان دسترسی فعالان اقتصادی به فرصت‌های اقتصادی کمتر می‌شود. مطابق نتایج به‌دست‌آمده کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ نهادهای تسهیل‌کننده اقتصادی با کیفیت بالاتری در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ داشته‌اند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیر مجازی کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقا به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص آمریکای مرکزی و جنوبی و مستعمرات سابق فرانسه اثر معناداری مشاهده نشد. همچنین ضریب مربوط به مستعمرات سابق بریتانیا مثبت و معنادار است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۳ نتایج برآوردشده برای نهادهای اقتصادی

	محدودکننده (حقوق قانونی)	تسهیل‌کننده (تنظیم‌کنندگی)	توزیع‌کننده (پول سالم)
C	-۳/۳۴ (۰/۰۰)	۱/۸۲ (۰/۰۲)	۱/۷۲ (۰/۳۰)
LGDP70	۱/۴۰ (۰/۰۰)	۰/۵۵ (۰/۰۰)	۰/۸۶ (۰/۰۰)
MINXP	-۲/۱۰ (۰/۰۳)	-۲/۰۰ (۰/۰۲)	-۳/۲۳ (۰/۰۷)
AF	-۱/۰۰ (۰/۰۰)	-۰/۶۴ (۰/۰۲)	-۲/۱۲ (۰/۰۰)
ME	-۱/۱۱ (۰/۰۱)	-۱/۳۹ (۰/۰۰)	۰/۷۷ (۰/۳۲)
CSAM	-۱/۶۶ (۰/۰۰)	۰/۰۳ (۰/۸۷)	-۱/۳۷ (۰/۰۰)
F-BRIT	۰/۲۵ (۰/۲۷)	۰/۷۷ (۰/۰۰)	۰/۲۹ (۰/۴۹)
F-FRENCH	۰/۰۸ (۰/۸۰)	۰/۰۶ (۰/۰۶)	۱/۱۸ (۱/۱۸)
آماره F	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
R^2 تعدیل‌شده	۰/۷۸	۰/۵۲	۰/۴۰

۳.۲.۴ نهاد توزیع‌کننده اقتصادی: شاخص پول سالم

باتوجه‌به ضریب منفی و معنادار متغیر متناظر با شاخص پول سالم وابستگی به منابع نفتی و معدنی، منجر به تضعیف کیفیت نهادهای توزیع‌کننده اقتصادی در کشورهای صاحب این منابع شده است. براین‌اساس، با افزایش درجه وابستگی به منابع، کیفیت سیاستگذاری پولی و مالی که ثبات اقتصادی را پدید می‌آورند، کمتر می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد کشورهای با درآمد سرانه بیشتر در سال ۱۹۷۰ توانسته‌اند کیفیت بالاتری را در سیاست پولی در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به‌دست آورند. بر پایه این نتایج، ضرایب مربوط به متغیر مجازی کشورهای منطقه آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی به‌طور معناداری منفی بوده، اما درخصوص خاورمیانه و مستعمرات سابق انگلیس اثر معناداری مشاهده نشد. همچنین ضریب مربوط به مستعمرات سابق فرانسه مثبت و معنادار است.

۵ نتیجه‌گیری

ازآنجاکه واژه نهاد، طیف وسیعی از قواعد، قوانین و سیاست‌ها را پوشش می‌دهد، به‌کارگیری مبهم و کلی این عنوان در ادبیات نفرین منابع، می‌تواند منجر به بروز خطا در تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها شود. درواقع، نهاد همچون جعبه سیاهی است که همگان به اهمیت و نقش آن در تبیین علت پدیده معترفند، اما کمتر به محتوای آن توجه شده است. به‌منظور شناسایی محتوای این جعبه سیاه، لازم است تفکیک مناسبی بر اساس کارکرد و نقش نهادها در اقتصاد صورت پذیرد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نهادها، شکل‌دهنده انگیزه فعالان سیاسی و اقتصادی بوده و نقش اصلی را در رشد یا عقب‌ماندگی جامعه برعهده دارند. نهادها را از این منظر که تنظیم‌گر رابطه صاحبان قدرت با شهروندان عادی و یا شهروندان عادی با یکدیگر هستند، می‌توان به نهادهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی تقسیم کرد که نهادهای حاکمیتی خود به نهادهای سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. نهادهای سیاسی نیز سه نقش توزیع قدرت، تسهیل دسترسی فعالان سیاسی به قدرت و حفظ حقوق آنها در برابر حاکمان را برعهده دارند. بر پایه این سه نقش، نهادهای سیاسی به سه گروه نهادهای توزیع‌کننده، نهادهای تسهیل‌کننده و نهادهای محدودکننده قدرت سیاسی تقسیم می‌شوند. نهادهای اقتصادی نیز سه نقش توزیع منابع اقتصادی، تسهیل دسترسی فعالان اقتصادی به فرصت‌های اقتصادی و حفظ حقوق اقتصادی آنها در برابر صاحبان قدرت را برعهده دارند. بر پایه این سه نقش، نهادهای اقتصادی به سه نوع نهادهای توزیع‌کننده، تسهیل‌کننده و محدودکننده اقتصادی تقسیم می‌شوند. نهادهای توزیع‌کننده اقتصادی نیز خود به دو گروه نهادهای سیاستگذار مالی و پولی تقسیم شده که به‌ویژه در کشورهای نفتی، نقش اصلی را در توزیع منابع و ایجاد ثبات اقتصادی برعهده دارند.

براین‌اساس، وابستگی به نفت و منابع معدنی، به‌طور مشابه کیفیت انواع مختلف نهادها را در کشورهای صاحب‌منابع تضعیف کرده است؛ به‌طوری‌که با افزایش وابستگی کیفیت نهادها کمتر می‌شود. این اثر با تغییر شاخص وابستگی و استفاده از سهم کل صادرات منابع طبیعی، نیز مشاهده می‌شود. سطح توسعه‌یافتگی در دوره پیش از وابستگی به منابع طبیعی، اثر مثبتی بر کیفیت تمامی گروه‌های نهادی در دوره پس از آن داشته است. درمقابل، شرایط محیطی حاکم بر مناطق جغرافیایی خاورمیانه و آفریقا موجب کاهش کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی در این گروه از کشورها شده است. در حوزه نهادهای سیاسی، وابستگی به منابع و افزایش درآمد منابع، تمایل به تمرکز بیشتر قدرت، کاهش سطح آزادی مطبوعات، سانسور اخبار و اطلاعات و کاهش دسترسی گروه‌های رقیب به قدرت را افزایش داده است. در حوزه نهادهای اقتصادی، وابستگی به منابع، موجب افزایش نقض حقوق مالکیت اقتصادی افراد، دخالت در روند دادگاه‌ها و نظام قضایی، مصادره اموال و دارایی‌ها به‌دلیل عدم وابستگی اقتصادی حکومت‌ها به درآمدهای فعالان بخش خصوصی، شکل‌گیری انواع رانت‌ها، کاهش سلامت نظام قضایی و بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و مالی شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع

بخشی‌آنی، ر. (۱۳۸۹). *اثر وابستگی به نفت بر کیفیت نهادها* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، تهران.

Acemoghlu, D., Johnson S., & Robinson J. A. (2005). Institutions as a fundamental cause of long-run growth. In P. Aghion, & S. N. Durlauf (Eds.), *Handbook of economic growth* (pp. 384-473), North-Holland: Elsevier.

Acemoglu, D., Johnson S., & Robinson J. A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91, 1369-1401.

Auty, R. M. (2000). *Resource abundance and economic development*, Oxford University Press.

Bhattacharyya, S. (2009), Unbundled institutions, human capital and growth, *Journal of Comparative Economics*, 37, 106-120.

Boschini, A., Petterson, J., & Roine, J. (2007). Resource curse or not: A question of appropriability. *Scandinavian Journal of Economics*, 109(3), 593-617.

Brunnschweiler, C. N., & Bulte, H. E. (2008). The resource curse revisited and revised: A tale of paradoxes and red herrings, *Journal of Environmental Economics and Management*, 55(3), 248-64.

Gylfason, T. (2004). *Natural resource and economic growth: From dependence to diversification* (Discussion Paper Series No. 4804). Center for Economic Policy Research.

Mehlum, H., Moene, K., & Torvik, R. (2006). Institutions and resource curse. *The Economic Journal*, 116(508), 1-20.

North, D. (1991). Institutions. *Journal of Economic Perspectives*, 5(1), 97-112.

Rodrik, D. (2005). Growth strategies, In P. Aghion, & S. N. Durlauf (Eds.), *Handbook of economic growth* (pp. 967-1014), North-Holland: Elsevier.

Sala-i-Martin, X., & Subramanian, A. (2003). *Addressing the natural resource curse: an illustration from Nigeria*, NBER Working Paper 9804.

Sokoloff, K., & Engerman, S. (2000). Institutions, factor endowments, and paths of development in the new world, *Journal of Economic Perspectives*. 14, 217-232.

Torvik, R. (2002). Natural resources, rent seeking and welfare, *Journal of Development Economics*, 67(2), 455-70.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]